

## چهل و نه سال از قیام تاریخی مردم آذربایجان گذشت

"... در مدت کمتر از یک سال در طول عمر کوتاه هیئت ملی آذربایجان و الحمن ایالتی و ولایتی خلق آذربایجان، توانستند بحد اعجاز و باور نکردنی و خارق العاده به ملت محروم آذربایجان خدمت کنند و علاوه بر بارور کردن نهال آزادی و دموکراسی خلقی در سراسر ایران و ایجاد شور و شوق و آگاهی اجتماعی و سیاسی و ستدیکیایی در توده مردم آذربایجان خدماتی به ملت محروم و ستمدیده آذربایجان عرضه کنند."

نوشته های زیادی انتشار یافته است. نیروهای واپسگرا و ارتجاعی همواره کوشیده اند تا با پنهان شدن زیر پوشش "وطن پرستی"، قیام مردم آذربایجان را یک حرکت سازمان داده شده از خارج و "وابسته" تاریخ معاصر کشورماست و پیرامون آن تاکنون

۲۱ آذر امسال مصادف است با چهل و نهمین سالگرد قیام تاریخی مردم آذربایجان علیه استبداد پهلوی و تاسیس نخستین جمهوری خودمختار در کشور ما. قیام ۲۱ آذر یکی از مهمترین حوادث تاریخ معاصر کشورماست و پیرامون آن تاکنون

ادامه در ص ۳



شماره ۴۴۳، دوره هشتم  
سال یازدهم، ۲۹ آذر ۱۳۷۳

همبستگی بزرگترین اجلاس احزاب کارگری و کمونیستی منطقه با نیروهای مترقی و آزادیخواه، زندانیان سیاسی، نویسندگان، روشنفکران و همه مبارزان راه آزادی در ایران  
ص ۷

### اجلاس پرشور همبستگی جهانی با مردم کوبا

نخستین اجلاس همبستگی جهانی با مردم کوبا در روزهای ۲۱ - ۲۵ نوامبر با شرکت ۳۰۳۹ نماینده از ۱۰۸ کشور، از پنج قاره جهان، سازمان های بین المللی و منطقه ای، احزاب، سازمان ها و نیروهای مترقی و انساندوست با موفقیت کامل، در هاوانا، به کار خود پایان داد. در این اجلاس که نخستین کردهمایی در چنین ابعاد بزرگ و فراگیری بود، شرکت کنندگان ضمن ابراز همبستگی با مردم کوبا در مبارزه شان برای حفظ استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تعهد کردند که به کارزار جهانی دفاع از مبارزات مردم این کشور ابعاد گسترده تری بخشیده و تلاش های امپریالیسم و ارتجاع را با شکست روبرو کنند. در بیانیه ای که در پایان نشست به تصویب شرکت کنندگان رسید، می خوانیم:

نخستین اجلاس همبستگی جهانی با مردم کوبا در روزهای ۲۱ - ۲۵ نوامبر با شرکت ۳۰۳۹ نماینده از ۱۰۸ کشور، از پنج قاره جهان، سازمان های بین المللی و منطقه ای، احزاب، سازمان ها و نیروهای مترقی و انساندوست با موفقیت کامل، در هاوانا، به کار خود پایان داد. در این اجلاس که نخستین کردهمایی در چنین ابعاد بزرگ و فراگیری بود، شرکت کنندگان ضمن ابراز همبستگی با مردم کوبا در مبارزه شان برای حفظ استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تعهد کردند که به کارزار جهانی دفاع از مبارزات مردم این کشور ابعاد گسترده تری بخشیده و تلاش های امپریالیسم و ارتجاع را با شکست روبرو کنند. در بیانیه ای که در پایان نشست به تصویب شرکت کنندگان رسید، می خوانیم:

ادامه در ص ۸

## "جدایی کامل دین از حکومت" استراتژی یا تاکتیک؟

مسأله تعیین "مرجعیت" از موضوع های پرتنش و حادی بود که در هفته های اخیر به شکل برخورد گروه های مختلف در درون و بیرون از حاکمیت جمهوری اسلامی تبلور یافت و در رسانه های گروهی انعکاس وسیعی پیدا کرد. در پی مانورهای مختلف حاکمیت و فشار ماموران وزارت اطلاعات، بالاخره سید علی خامنه ای که تا مدتی قبل، در زمان حیات خمینی، با عنوان "حجت الاسلام" شناخته می شد، به مقام مرجعیت صدمیلیون مسلمان ارتقا یافت. بحث بر سر اینکه خامنه ای "شایستگی" مرجعیت را دارد یا ندارد، بحثی است که اثبات و یا نفی، ارتباطی به مسایل و معضلات موجود در پیش روی مردم و جامعه ما ندارد. حوادث اخیر بیش از هر چیز نشانگر روابط و ملاحظات داخلی در میان اکثریت روحانیت و تلاش آنان در حفظ نظام کنونی در جامعه ماست.

ادامه در ص ۲

به مناسبت چهل و ششمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

## جمهوری اسلامی و حقوق بشر

دهم دسامبر سال ۱۹۴۸، پس از پایان جنگ جهانی دوم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام: "از آنجائیکه شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را تشکیل می دهد..."، سند اعلامیه جهانی حقوق بشر را به مثابه آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل جهان منتشر می کند تا "جمع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن ها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آن ها می باشند، تامین گردد..." از جمله مواد مهم این اعلامیه جهانی که همواره به آن اشاره می شود، ماده ۲ است که می گوید: "هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد..."، ماده ۵ است که می گوید: "احدی را نمی توان زیر شکنجه

ادامه در ص ۲

## در دیگر صفحات:

سیاست های اقتصادی رژیم رشد صنعت و کشاورزی را در استان مازندران مختل کرده است  
ص ۶

متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اجلاس مهم احزاب کارگری، کمونیستی و مترقی منطقه  
ص ۳

زنده یاد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

## جدایی کامل ...

سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذر ماه سال گذشته، به درستی مسئله "جدایی کامل دین از حکومت" را به عنوان یکی از مهمترین مسایل در میهن ما به مثابه یکی از بندهای "منشور آزادی" حزب ما به تصویب رساند. هدف حزب ما از طرح چنین اصلی، تاکید بر تجربه مهم و دردناکی است که حداقل در پانزده سال گذشته تحت عنوان حکومت مذهبی - ایدئولوژیک در کشور ما در بوته آزمایش قرار گرفته است. امروز اکثریت مردم میهن ما به تجربه دردناک ۱۶ ساله خود به این باور رسیده اند که حکومتی که در کشور ما به موجب اصل "ولایت فقیه"، مندرج در قانون اساسی تبلور یافته است، اساسی ترین سد راه استقرار دموکراسی و آزادی در ایران است. حکومت "ولایت فقیه"، حکومت بی قانونی و در واقع دیکتاتوری فردی، زیر پوشش، اجرای "قوانین مذهبی" است. بسیاری از اصول قانون اساسی که با رای اکثریت قاطع مردم ایران، در پی پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، به تصویب رسید، مانند اصل تجارت خارجی، اصلاحات ارضی، و... به دستور "ولی فقیه" زیر پا گذاشته شده اند و کشور ما برای تامین تفکرات و ملاحظات اختصاصی "ولی فقیه" بیش از ۸ سال درگیر جنگی خونین، بی حاصل و مرکبار بود که صدها هزار کشته، زخمی، معلول و میلیاردها دلار خسارات اقتصادی ببار آورد. بر اساس این تجربه ها و درک است که حزب ما بر جدایی کامل دین از حکومت به عنوان یک خواست استراتژیک تاکید

می ورزد. بدیهی است که مخالفت ما با حکومت مذهبی، به معنای مخالفت ما با اعتقادات مذهبی مردم نبوده و نیست. ما همواره به این اعتقادات به دیده احترام نگریسته و می نکریم. مسئله جدایی کامل دین از حکومت همچنین، آنطور که برخی از نیروها تبلیغ می کنند، به مفهوم خواست جدایی دین از سیاست نیست، به گمان ما این حق نیروهای مذهبی است که آزادانه فعالیت سیاسی کرده و برای اعتقادات سیاسی خود تبلیغ کنند. آنچه که ما خواهان آن هستیم استقرار یک حکومت متکی بر قوانین مدنی مورد قبول و با توجه به سن و فرهنگ جامعه ماست. ما در گذشته در بحث با نیروهای مذهبی نیز تاکید کرده ایم که اصل "ولایت فقیه"، اصلی است در تضاد آشتی ناپذیر با دموکراسی و آزادی و از این رو نمی تواند توسط هیچ نیروی آزادیخواه مورد قبول قرار گیرد. حوادث اخیر کشور نشان می دهد، که این درک بیش از پیش حتی در میان نیروهای مذهبی در حال رشد و گسترش است. حتی گروهی از رهبران جنبش اسلامی که همراه خمینی در ایران قدرت را به دست گرفتند، امروز با شک و تردید زیاد از ادامه اصل "ولایت فقیه" سخن می گویند و افرادی مانند موسوی خوئینی ها، که از نزدیک ترین یاران خمینی، رهبر "دانشجویان خط امام"، دادستان کل کشور و زمانی نیز نماینده ویژه او بود، امروز از نفی "ولایت فقیه" سخن می گویند و نظریه پردازانی مانند عبدالکریم سروش در تلاش برای یافتن فرمول بندی های مناسب "تئوریک" برای رد "ولایت فقیه" هستند. سروش در مطلبی که در مجله "کیان" به چاپ رساند، از "ایدئولوژیزه" کردن مذهب انتقاد کرد و تلویحاً

## جمهوری اسلامی و حقوق بشر ...

یا مجازات و رفتاری قرار داد که ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری و یا موهن باشد". و مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۲ است که تاکید می کنند: "هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی اظهار عقیده و بیان می باشد... هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد... هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند...".

در سال های اخیر مسئله سرکوب حقوق بشر، در کشور ما توسط حکام جمهوری اسلامی همواره از موضوعات مهم و مطرح شده در مجامع بین المللی، از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بوده است. گزارش های متعدد سازمان های بین المللی همواره بر سرکوب خشن و خونین حقوق بشر در ایران به وحشیانه ترین شکل ممکن، تاکید ورزیده اند، و جمهوری اسلامی در طی سال های گذشته همواره به این دلیل محکوم گردیده است. به عنوان نمونه ۱۸۴-مین مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه خود که در سال گذشته به تصویب این مجمع رسید، جمهوری اسلامی را به خاطر داشتن بیش از ۲۰,۰۰۰ زندانی سیاسی، آزار و شکنجه زندانیان سیاسی، آزار و اذیت زنان و اقلیت های مذهبی به شدت مورد انتقاد قرار داد و رژیم ایران را در ترور مخالفان در خارج از کشور سهیم دانست. در ماه های اخیر با آغاز موج جدیدی از سرکوب، دستگیری و شکنجه مخالفان، مسئله حقوق بشر در ایران بار دیگر در دستور کار سازمان های بین المللی قرار گرفته است. قتل سمیدی سیرجانی نویسنده ایرانی که در زندان های رژیم بسر می برد، در کنار تهدید و ارباب ۱۳۴ نویسنده ایرانی که خواهان رفع

خواهان الغای اصل "ولایت فقیه" گردید. آنچه امروز با اطمینان می توان گفت این است که "ولایت فقیه" سلاحی است در دست استبداد، برای درهم کوبیدن خواست های آزادیخواهانه مردم کشور ما و از این رو خواست طرد این اصل از سوی حزب و خواست جدایی کامل دین از حکومت خواستی است بنیادین که برای تحول و پیشرفت آینده کشور در یک چارچوب دموکراتیک ضرور می باشد.

شعار طرد رژیم "ولایت فقیه"، در واقع حلقه اساسی مبارزه ای است که هدفش استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران است. بخش های مهمی از نیروهای مذهبی که برپایه اعتقادات عدالت خواهانه خود در انقلاب بهمن ۵۷ شرکت جستند، و در سالهای اخیر به دلایل مختلف از حاکمیت جمهوری اسلامی بریده اند، می توانند و می بایست بخش جدایی ناپذیر و مهمی از این مبارزه باشند. نفی این اصل در رابطه با حکومت و اعلام آشکار دفاع از دموکراسی و پلورالیسم سیاسی نخستین گام عملی است که این نیروها می توانند برای بازسازی پل های خراب شده، میان آنان و نیروهای مترقی برپا دارند. ما با این گفته آیت الله منتظری که در نامه اخیر خود اعلام کرد سکوت در برابر ظلم غیر قابل بخشش است، موافقیم و معتقدیم که زمان آن فرارسیده است تا نیروهای مذهبی معتقد به آزادی، در دفاع آشکار از دموکراسی و عدالت به صف نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور بپیوندند. مبارزه مشترک تمامی آزادیخواهان و نیروهای تحول طلب در کشور ما تنها راه مطمئن رسیدن به آزادی در ایران است.

سانسور، سرکوب و به رسمیت شناخته شدن حقوق صنفی شان بودند، و سرکوب های خونین اعتراض های وسیع مردمی در شهرهای مختلف کشور، از قزوین تا تبریز، همه نشانگر این واقعیت است که رژیم حاکم بر ایران، مصمم است تا علی رغم اعتراض های بین المللی به رفتار ضد بشری خود ادامه دهد. جمهوری اسلامی همواره در مجامع بین المللی با طرح این موضوع که اعلامیه حقوق بشر با "معیارهای اسلامی" حاکم در ایران در تناقض است، اعلام کرده است که خود را ملزم به اجرای این اعلامیه نمی بیند. "معیارهای اسلامی" که حضرات از آن سخن می گویند، به قول رجایی خراسانی، (فرستاده قبلی رژیم در سازمان ملل) چیزی جز "تعزیر اسلامی"، "اعدام" و اعمال جنایتکارانه ای که در طی سال های اخیر در ایران رواج داشته است، نیست. انتصاب رجایی خراسانی، که چنین گستاخانه از سرکوب حقوق بشر در ایران دفاع می کند، به سمت رئیس "کمیسیون نظارت بر حقوق بشر" مجلس شورای اسلامی نشان درک واقعی و بیمارگونه حاکمان ایران نسبت به حقوق انسانی شهروندان میهن ماست.

امروز مبارزه در راه دفاع از حقوق انسانی مردم، نویسندهگان، روشنفکران، زحمتکشان و تمامی نیروهای آزادیخواه که در درون کشور علیه دیکتاتوری حاکم پیکار می کنند، از مهمترین وظایف همه نیروهای مترقی و دموکراتیک است که برای استقرار دموکراسی در ایران مبارزه می کنند. مبارزه در راه آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران، مبارزه در راه قطع آزار و اذیت زنان و به رسمیت شناختن حقوق آنان، در کنار مبارزه برای به رسمیت شناختن حق آزادی بیان، اندیشه و تجمع، بخش جدایی ناپذیری از نبرد است که تعیین کننده آینده کشور ما خواهد بود. هرچه صفوف این مبارزه گسترده تر و انعکاس و بازتاب آن در ایران و جهان وسیع تر باشد، امکان موفقیت و پیروزی در آن بیشتر خواهد بود.

## چهل و نه سال از ...

قلمداد کنند و با این برچسب ها حقانیت این قیام مردمی و در عین حال جنایاتی را که به دست مزدوران و چاقو کشان شاهنشاهی زیر عنوان "نجات" آذربایجان در آنجا رخ داد پرده پوشی کنند. نکته جالب این است که کسانی در این شیپور تبلیغات دروغین می دمند، که خود دارای سوابق و پیشینه سیاه وابستگی و نوکری به دستگاه های جاسوسی غرب هستند. امروز نیز پس از گذشت چهل و نه سال از این واقعه هنوز قلم زنان "سلطنتی"، سخن از این می گویند که معلوم نیست اگر: "شاه و ارتش، آذربایجان را آزاد نمی کردند" بر سر ایران چه می آمد. ساده ترین پاسخ به چنین ترهاتی این است که مسلماً اگر توطئه دربار و امپریالیسم در مورد نهضت ملی آذربایجان و در کل جنبش آزادیخواه و استقلال طلب کشور ما موفق نمی شد، میهن ما امروز با چنین فاجعه ای روبرو نبود. ۲۵ سال دیکتاتوری سیاه که در شمار بدنام ترین و سیه کار ترین دیکتاتوری ها در جهان محسوب می شد، و بر میهن ما تحمیل گردید، فاجعه ای است که مسئولیت مستقیم آن بر دوش کسانی است که به خواست و پشتیبانی اربابان خود به آذربایجان لشکر کشیدند و جنایات تکان دهنده ای را مرتکب شدند. دفاع از چنین اقداماتی زیر هر پوششی، نمی تواند چیزی جز همدستی و همدردی با جنایت باشد. ویلیام داکلاس قاضی بلند پایه آمریکایی که پس از "آزاد" شدن آذربایجان به دست نیروهای شاه، در راس هیئتی از آنجا دیدار می کرد، در گزارش خود در باره چگونگی عملکرد ارتش در آذربایجان نوشت: "ارتش ایران، ارتش رهایی بخش در مسیر خود آثار خشونت برجای گذاشت. ریش دهقانان را آتش زدند. به ناموس زنان و دختران آنان تجاوز کردند، اموال خانه ها را به غارت بردند، دام ها را دزدیدند. ارتش از کنترل خارج بود. رسانتش نجات دادن بود، ولی به غارت مردم غیر نظامی پرداخت و کشته ها و ویرانی ها پشت سر نهاد. زندانها ملو از آذربایجانی های بی گناه است، چوب های دار و اعدام فراوان است با ناسیونالیست ها نیز بدرقتاری می شود. دهقانان بیچاره را که برای دمکرات ها ابراز علاقه کرده بودند، در معرض توهین قرار دادند. یک دهقان پیر آذربایجانی به ما گفت: مال و حیثیت ما را پایمال کردند، آثار این حوادث هرگز از خاطر آذربایجانی ها زوده نخواهد شد". چنین است کارنامه "ارتش شاهنشاهی" در "آزادی" آذربایجان.

واقعیت این است که رژیم شاه به شدت از اثرات عمیق و ژرف تحولاتی که به دست دولت ملی آذربایجان به رهبری پیشه وری در آنجا رخ می داد، در هراس بود و می دانست که

دوام چنین تجربه هایی مصادف با مرگ استبداد و ارتجاع در ایران است. رسول مهربان، نویسنده کتاب "تاریخ معاصر ایران"، در مورد تحولاتی که نهضت رهایی بخش آذربایجان در این خطه ایجاد کرد، می نویسد: "... در مدت کمتر از یک سال در طول عمر کوتاه دولت ملی آذربایجان و انجمن ایالتی و ولایتی خلق آذربایجان، توانستند بحد اعجاز و باور نکردنی و خارق العاده به ملت محروم آذربایجان خدمت کنند و علاوه بر بارور کردن نهال آزادی و دموکراسی خلقی در سراسر ایران و ایجاد شور و شوق و آگاهی اجتماعی و سیاسی و سندیکیایی در توده مردم آذربایجان خدماتی به ملت محروم و ستمدیده آذربایجان عرضه کنند".

ویلیام داکلاس، قاضی آمریکایی در کتاب خود زیر عنوان "سرزمین عجیب با مردمی مهربان" اصلاحات انجام گرفته در آذربایجان را چنین توصیف می کند:

"۱- تقسیم اراضی و املاک مالکین فراری و تصویب قانونی جهت تقسیم محصول زمین به نفع دهقانان؛

۲- از بین بردن رشوه. پیشه وری دادن رشوه به مامورین دولتی را خیانت به حقوق ملی اعلام کرد و برای مرتکبین مجازات سختی قائل شد ... بازرگانان به من می گفتند که اگر شبها مغازه هایشان باز می ماند اموالشان تامین داشت و چیزی به سرقت نمی رفت...؛

۳- کنترل قیمت اجناس مورد نیاز عمومی؛

۴- ایجاد کلینیک های سیار بهداشتی که از تبریز به دهات اطراف می رفت؛

۵- قانون حداقل بیکاری و حداکثر ساعت کار و ایجاد قرار دادهای دسته جمعی میان کارفرمایان و کارگران؛

۶- برنامه عمومی کار اجرا و قسمت اعظم خیابان ها و کوچه ها آسفالت و سنگفرش شدند؛

۷- برنامه تعلیمات عمومی، باز کردن مدارس در دهات و تاسیس دانشکاه تبریز با دو دانشکده ادبیات و طب...".

افزون بر این ها داداش زاده، نویسنده کتاب "ضررهای نفاق در جنبش ملی ایران" در کتاب خود، موارد دیگری نظیر:

- "ایجاد آب لوله کشی در تبریز، بطوریکه تبریز قبل از تهران صاحب آب لوله کشی شد؛

- ایجاد رادیو آذربایجان؛

- ایجاد انجمن هنرمندان و هنرپیشگان،

ایجاد ۲۲۵ دبستان و ۸۲ دبیرستان جدید،

- تاسیس کارخانه بزرگ پارچه بافی ظفر؛

- و ایجاد انجمن های انتخابی در دهات برای حل و فصل مشکلات آنان...، را ذکر می کند. ارتجاع و استبداد وابسته پهلوی که

## «زن»

## درسرزمین من!

در آن دوردست ها،

آن سوی کوه ها و دریاها،

زن بودن گناهی ست،

همپایه کفر و زندیق.

زن آنجا، همواره نوعروس سیاهپوشی ست،

که بخت خویش را

در تابوتی کهنه تشییع می کند!

در آن دوردست ها،

در سرزمین من!

در سایه سلطنت فقها،

زن بودن گناهی ست!

م = پیچیدگی

برنامه و هدفی جز غارت منابع ملی و سرازیر کردن آن به حساب اربابان و حساب های شخصی خود نداشتند، از ترس گسترش چنین اندیشه ها و برنامه هایی بود، که حاضر بود برای نابودی قیام مردم آذربایجان به هر کشتار و جنایت ضد بشری دست بزنند. چهل و نه سال پس از این جنبش خلقی، مردم آذربایجان هنوز از حقوق ملی خود محروم هستند. حزب توده ایران همواره از مبارزات دلاورانه خلق های ایران از آذربایجان گرفته تا کردستان و بلوچستان دفاع کرده و همچنان دفاع می کند. تحقق خواست های ملی این خلق ها در چارچوب تمامیت ارضی یک ایران مستقل و دموکراتیک، تنها راه عادلانه و مترقی تحقق خواست های بخش های بزرگی از سکنه کشور ما می باشد. خلق آذربایجان در راه دستیابی به این حقوق و تحقق و استقرار دموکراسی در ایران قربانیان زیادی به جنبش آزادیخواهانه کشور ما هدیه کرده است و نام دلاوران قهرمانی مانند رفیق شهید فریدون ابراهیمی و قهرمانان دلاوری که تا آخرین لحظه در کنار مردم آذربایجان رزمیدند در خاطره مردم آذربایجان جاویدان است. به گفته رفیق شهید ابراهیمی که به جلاخان خود می گفت: "طناب را به گردنم ببندازید، آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دست هایشان از شدت کار پینه بسته است. این دست های پینه بسته درهای تمام زندان ها و شکنجه گاه ها را خواهد گشود و تمام جلاخان و ستم کاران را نابود خواهند کرد...".

## بزرگترین اجلاس احزاب کارگری، کمونیستی و مترقی منطقه در قبرس برگزار گردید

گفتگو کرد. دبیرکل حزب کمونیست قبرس ضمن تمجید از شرکت فعال نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران و نقش فعال و مثبت هیئت نمایندگی حزب ما در این کنفرانس همبستگی رزمجویانه خود را با رفقای توده ای و همه مبارزان راه آزادی در کشورمان اعلام داشت. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران همچنین در یک دیدار جداگانه با مسئول شعبه ایدئولوژیک هیئت سیاسی (اکل) دیدار و پیرامون اوضاع ایران و چگونگی بسط و گسترش همکاری ها بحث و تبادل نظر کرد. در پایان جلسه اطلاعاتی مطبوعاتی، از سوی نشست احزاب منطقه منتشر و در اختیار رسانه های گروهی جهان قرار گرفت. متن کامل این اطلاعیه مطبوعاتی به شرح زیر است:

یوگسلاوی و ارمنستان نیز حضور داشتند. شرکت کنندگان در این اجلاس در نخستین روز کار، در دفتر ریاست جمهوری این کشور حضور بهم رسانده و با رئیس جمهور این کشور ملاقات کردند. جریان کار اجلاس انعکاس وسیعی در رسانه های گروهی قبرس و منطقه یافت. برای نخستین بار احزاب غیر کمونیستی از سوریه، قبرس، و فلسطین نیز در نشست منطقه ای شرکت می کردند. در این دیدار نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با رفیق دیمتری کریستوفیاس، دبیر کل حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل)، و رهبران و مسئولان شعب بین المللی احزاب کمونیست روسیه، ارمنستان، یوگسلاوی، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، یونان، عراق، سودان، مصر، اردن و نمایندگان رهبری احزاب مترقی فلسطین، سوریه، دیدار و

اجلاس بزرگ احزاب کارگری و کمونیستی با عنوان " نیاز به اشتراک عمل نیروهای مترقی، میهنی و چپ در شرایط نوین" در روزهای ۹ - ۱۱ دسامبر، به میزبانی حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل) و حزب کمونیست یونان، در شهر ساحلی لارنکا، در قبرس برگزار گردید. در این میزگرد مهم، نمایندگان رهبری احزاب کارگری، کمونیستی و مترقی منطقه، از جمله هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، حضور داشتند و در مدت سه روز بحث و بررسی پیرامون وظایف نیروهای مترقی در شرایط کنونی، به توافق های مهمی پیرامون گسترش همکاری و هماهنگی فی مابین رسیدند. در این اجلاس بزرگ برای نخستین بار نمایندگان احزاب کمونیستی از فرانسه، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، روسیه،

« از ۹ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۹۴، یک میزگرد بین المللی با عنوان " نیاز به اشتراک عمل نیروهای مترقی، میهنی و چپ در شرایط نوین" در لارنکا - قبرس برگزار گردید.

بحث ها و تبادل نظرها، در یک فضای رفیقانه، سازنده و چارچوب آزاد و دموکراتیک میان شرکت کنندگان برگزار گردید. نتیجه گیری اساسی که از درون این تبادل نظر ها بدست آمده است، همانا، ویوکی شرایط کنونی جهان را می توان در یورش نیروهای امریالیستی در سطح جهان، برای تحمیل عقاید خود، بر روابط سیاسی- اقتصادی و حتی شرایط داخلی کشورهای مختلف و به ضرر زحمتکشان این کشورها خلاصه کرد.

"نظم نوین جهانی" که نیروهای فوق الذکر تلاش می کنند تا به جهانیان تحمیل کنند، یک نظم امریالیستی است که نه تنها هیچ مشکلی از جامعه بشری را حل نخواهد کرد، بلکه بر دشواری ها و معضلات آن نیز خواهد افزود و منجر به رشد و گسترش شوینیسیم، نژاد پرستی، فئاتیسم مذهبی، تشنج و حتی برخوردهای خونین نظامی در گوشه و کنار دنیا می گردد، و خطر بزرگی برای صلح و مردم جهان است. این نشست همبستگی خود را با مبارزات مردم جهان در مقابله با این یورش امریالیستی اعلام می دارد. این نشست همچنین معتقد است که عقب کردهای سال های اخیر موقتی و بازگشت پذیر می باشند. در چنین شرایطی نقش نیروهای مردمی، کمونیست، چپ، و مترقی می بایست تحول و تکامل یابد.

این میزگرد، ضمن مثبت ارزیابی کردن این تجربه، بر ضرورت ادامه این ابتکارات، افزون بر تماس های دو جانبه، و چند جانبه میان این نیروها بر ضرورت همکاری و هماهنگی میان نیروهای کمونیست، چپ، مترقی و میهنی در چارچوب موضوعات مشترک، تاکید می کند. »

## متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اجلاس مهم احزاب کارگری، کمونیستی و مترقی منطقه

رفقای عزیز!

و همه مردم این کشورها، نیروهای سیاسی شان و هم تمامی نیروهای مترقی در سراسر جهان، می توانند، این تحولات را به شکل علمی و عینی مورد بررسی و مذاقه قرار دهند، و از سوی دیگر کارزار کر کننده تبلیغاتی رسانه های گروهی امریالیسم پیرامون این تحولات روبه خاموشی است و واقعیات سخت، دشوار و تکان دهنده زیستن در سیستم سرمایه داری، و در سایه "نظم نوین جهانی" در نبود سوسیالیسم در جسم و تفکر صدها میلیون انسان که به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تاثیر این حوادث بوده اند، نفوذ یافته است. شرایط چنان حساس و تکان دهنده است که محتاج توجه فوری نیروهای مترقی و پیشرو و بازبینی شرایط و مواضع این نیروها و وظایف تاریخی که بر عهده آنان قرار دارد، می باشد. بنابراین عنوان کنفرانس ما به درستی به ضرورت "عمل مشترک نیروهای مترقی، میهنی و چپ در شرایط

اجازه دهید تا به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین و رفیقانه ترین دروهای خود را به تمامی نمایندگان احزاب و سازمان های حاضر در این نشست مهم تقدیم دارم. همچنین اجازه دهید تا مراتب تشکر عمیق حزبمان را از رفقای قبرسی و یونانی که میزبانان این اجلاس هستند، اعلام کنم.

این میزگرد بین المللی، در پی نشست منطقه ای احزاب در سال ۱۹۹۲، در آتن، در شرایطی متفاوت منطقه ای و جهانی برگزار می گردد. از یک سو، ابرهایی که بر تحولات و فروپاشی دولت های سوسیالیستی در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق سایه افکنده بودند، به کناری رفته اند

نوبن" اشاره می کند.

اجازه دهید، تا با استفاده از فرصت، بحث های کلی و خطوط عمومی، مواضع مان را پیرامون شرایط نوبن جهانی در اینجا توضیح دهم. به گمان ما، برای برخورد با مسایل و معضلاتی که پیش روی ما قرار دارند، نخست ضروری است تا بتوانیم به یک درک نسبتاً مشترک از اینکه "شرایط نوبن جهان" چیست، دست یابیم. ما همچنین نیازمند به بررسی تحولات تاریخی هستیم که جهان ما را در آغاز قرن حاضر دگرگون کرد و تجربه غنی و گاه دردناکی از ۷۶ سال ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف جهان را در اختیار بشریت قرار داد. چنین ارزیابی برای رسیدن به چشم انداز روشنی برای آینده ضرور می نماید.

کمتر کسی را می توان یافت که با این نظر هم عقیده نباشد که پیروزی انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۱۷، سرنوشت بشریت را به گونه اساسی تغییر داد. تجربه اکتبر، این ادعای نظریه پردازان بورژوازی را که راهی جز سرمایه داری وجود ندارد، و اندیشه مارکسیستی سرابی بیش نیست درهم شکست و برای نخستین بار امکان بنا نهادن جامعه ای رها از استثمار، بی عدالتی و تقسیم شده به طبقات را پیش پای بشریت قرار داد. به گمان ما به هیچوجه تصادفی نیست که کشورهای امپریالیستی، در اکتبر پیروزمند، چنان خطر مرگباری را تشخیص دادند که تمامی امکانات خود را با صرف میلیاردها دلار برای نابودی نه تنها انقلاب اکتبر، بلکه مهمتر از آن آرمان های اکتبر و جهان نوینی را که می خواست بنا کند، به کار گرفتند. به قول جان رید، نویسنده و مبارز نامدار آمریکایی، اکتبر واقعه ای بود که دنیا را لرزاند و تاثیر تغییراتی را که در جهان پدید آورد تا نسل های بعدی باقی خواهد ماند.

در بی تحولات دهه ۱۹۸۰ و سال های نخست دهه نود و خصوصاً فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نیروهای مترقی، و خصوصاً نیروهای معتقد به سوسیالیسم، خود را در پرتو این تحولات درگیر بحث های داغ پیرامون آینده، یافتند. دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم، "مرگ" مارکسیسم و خصوصاً تجربه لنینی ساختمان سوسیالیسم را اعلام کردند، و تعدادی از نیروهای چپ زیر این فشار تصمیم به حذف مارکسیسم - لنینیسم و یا هر دوی این فرمول بندی ها از برنامه و اساسنامه خود گرفتند و در راه یافتن فرمول بندی های نوبن به قصد خارج شدن از بحران تلاش کردند. چپ در مجموع خود را در موضعی تدافعی یافت، و در این شرایط بود که در عین حال می بایست به اعلام "نظم نوبن جهانی" از سوی دولت بوش نیز پاسخ گوید. "نظمی" که به جهان وعده "دموکراسی"، "عدالت" و دنیایی عاری از "جنگ" را می داد.

ما از همان ابتدا صریحاً اعلام کردیم که چنین ادعاهایی در بوته آزمایش زمان دوام چندانی نخواهد داشت و خیلی زود صحت این دیدگاه ما، با فرو ریختن ماسک "نظم نوبن جهانی" و آشکار شدن سیمای هراسناک آن در مقابل بشریت به اثبات رسید. جهان و "نظم نوبن" آن از یک سو شاهد گسترش بی سابقه حضور نظامی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در سراسر جهان، از سومالی تا یوگسلاوی، هائیتی و خلیج فارس بود و از سوی دیگر، برای نخستین بار در دهه های اخیر شاهد شرکت و دخالت فعال نیروهای نظامی ناتو در امور داخلی کشورهای اروپایی بود. در این "نظم نوبن"، کشورهای اروپای شرقی از یوگسلاوی تا جمهوری های سابق اتحاد شوروی، با تحریک کشورهای امپریالیستی که خواهان گسترش نفوذ هرچه بیشتر خود به این مناطق بودند، در جنگ های خونین داخلی فرو رفته اند، و ضایعات عظیم اقتصادی - انسانی را متحمل گردیده اند. برای نمونه، امروز حتی برخی از کشورهای مجمع اروپایی نیز، پنهان نمی کنند که فاجعه یوگسلاوی بدست برخی از اعضای این مجمع، خصوصاً دولت هلموت کل در آلمان که خواهان احیا ادعاهای ارضی این کشور بر بخش هایی از یوگسلاوی است، پدید آورده است.

"نظم نوبن جهانی"، همچنین فاجعه بزرگی را برای کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است. در شرایط نوبن، کشورهای امپریالیستی توانستند

پس از سال های طولانی قرارداد "گات" را به جهان تحمیل کنند. قرار دادی که در شرایط وجود کشورهای سوسیالیستی ممکن نبود و تنها هدفش تحمیل کامل و سازمان یافته امپریالیسم بر اقتصاد کشورهای جهان سوم می باشد.

از سال ۱۹۹۰، ما شاهد یورش سرمایه انحصاری برای تصاحب بازارهای جدید در اروپای شرقی و تقسیم دوباره جهان به مراکز جدیدی از مبارزه اقتصادی میان قدرت های مختلف امپریالیستی بوده ایم. یکی از اهداف این یورش بازسازی شرایط نیم استعماری در چارچوب تحولات جدید جهان است. همه این تحولات گواه نیرومندی در تایید این نظریه بنیادین ما پیرامون اصول حاکم، ماهیت و چگونگی رشد سرمایه داری است. آنهایی که فریب "نظم نوبن جهانی" را خوردند، از درک حقایق تکان دهنده و اثرات مخرب سرمایه داری جهانی بر جامعه بشری، عاجز بوده اند. گزارش سازمان ملل متحد پیرامون عملکرد شرکت های چند ملیتی در سراسر جهان زبان گویای وضعیت کنونی جهان و آثار مخرب سرمایه داری است. بر اساس این گزارش، در حالیکه در پایان سال ۱۹۹۲، میزان فروش شرکت های چند ملیتی در کشورهای جهان رقمی معادل ۵/۵ تریلیون دلار بوده است، تمامی صادرات جهان در همان دوران تنها معادل ۴ تریلیون دلار بوده است. افزون بر این کنترل وحشتناک بر بازار اقتصادی جهان، ما شاهد رشد نجومی بدهی های جهان سوم به بانک ها و موسسه های مالی جهان سرمایه داری هستیم. بر اساس آمار سازمان ملل متحد، بدهی کشورهای جهان سوم از رقم ۳۷۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به ۱۴۷۸ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۹۱ افزایش یافته است.

امروز ادعای "نظم نوبن جهانی"، در پرتو تحولات سال های اخیر آنچنان رسوا شده است که حتی سیاستمداران غربی نیز از کاربرد واژه "نظم نوبن جهانی" خودداری می کنند، و برخی از آنان مانند وزیر امور خارجه بریتانیا، واژه "بی نظمی نوبن جهانی" را جانشین آن کرده اند.

سرنوشت صدها میلیون شهروند کشورهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، بهترین نمونه چگونگی عملکرد سرمایه داری است. رانده شدن میلیون ها نفر به زیر خط فقر، تفویض اداره امور به سازمان های جنایتکار مافیایی، که بیش از دوسوم از اقتصاد این کشورها را زیر کنترل خود گرفته اند، در کنار جنگ و خونریزی، هدیه سرمایه داری برای مردم این کشورها بوده است.

دستور العمل سیاسی "نوبنی" که از سوی امپریالیسم برای جهان تجویز می گردد، چیزی جز یک سناریوی بوسیده تصاحب و کنترل کامل جهان، که در ۷۵ سال گذشته به شدت در مقابل آن مقاومت شده است، نیست. بر اساس این دستور کار، سازمان های بین المللی، مانند سازمان ملل متحد، از سازمان های مستقل جهانی به ابزار دست کشورهای امپریالیستی تنزل می یابند، تا بر ماجراجویی های نظامی آنها در گوشه و کنار جهان، مهر تأیید گذارند. پیمان نظامی "ناتو"، که سال ها تبلیغ می شد تنها به خاطر وجود پیمان ورشو پدید آمده است، گسترش می یابد و به ژاندارم بین المللی حافظ منافع امپریالیسم در گوشه و کنار جهان بدل می گردد، و آن دسته از کشورهایی که برای استقلال سیاسی، اقتصادی خود مبارزه می کنند، مانند کوبا، که حاضر به تسلیم شدن در مقابل زورگویی های امپریالیسم نیستند، می بایست با تحریم اقتصادی، سیاسی و حتی یورش نظامی به زانو درآیند در منطقه خاورمیانه، نیز ما شاهد عملکرد این دستور کار سیاسی "نوبن" هستیم، که جنگ های خونین، اشغال منطقه توسط بزرگترین نیروهای کشورهای مختلف امپریالیستی، به نام دفاع از امنیت و منافع استراتژیک این کشورها گواه روشن برآنست.

### رفقای عزیز!

یکی از وعده های "نظم نوبن جهانی"، طلوع "دموکراسی" در سراسر جهان بود. منطقه ما بهترین گواه بر دروغ بودن چنین ادعاهایی است. حکمفرمایی حکومت های دیکتاتوری خشن و ضد بشری از ایران گرفته تا

## سیاست های اقتصادی رژیم رشد صنعت و کشاورزی را در استان مازندران مختل کرده است

در سال ۱۳۶۳، هیئت دولت جمهوری اسلامی طرحی به نام «طرح تعادل صنعت و کشاورزی در استان مازندران» به تصویب رساند که در طول یک دهه گذشته به مانع اصلی رشد صنعت و کشاورزی در این استان بدل شده است. بر اساس این طرح، به منظور «حفاظت از اراضی کشاورزی و محیط طبیعی» این استان، «اجرای طرح های بزرگ صنعتی در سطح مازندران» از سال ۶۳ به بعد «ممنوع» اعلام گردید و سرمایه گذاری صنعتی، چه از سوی دولت و چه از سوی بخش خصوصی، در سطح این استان به حداقل رسید.

به بهانه اجرای این طرح، در طول یک دهه، یعنی در فاصله سال های ۷۳-۱۳۶۳، مجموع سرمایه گذاری های صنعتی انجام شده در سطح استان مازندران از سطح ناچیز ۷۲ میلیارد ریال تجاوز نکرد. و بدین ترتیب، استان مازندران، که زمانی از پیشگامان رشد صنایع نساجی، گونی بافی و مواد غذایی در کشور ما بود، به یک استان عقب افتاده از نظر صنعتی بدل شد.

امروز، از جمعیت ۴ میلیون و ۲۵۰ هزار نفری استان مازندران، تنها ۳۲ هزار نفر در بخش صنایع سبک، و ۲۵۰۰ نفر در بخش صنایع سنگین به کار مشغولند. صنایع موجود در این استان نیز به واسطه عدم سرمایه گذاری لازم، اغلب از ماشین آلات فرسوده و قدیمی، که عمر مفید آنها به پایان رسیده است، استفاده می

کنند.

به گفته اسدالله سیاح، مدیرکل صنایع سنگین استان مازندران، «طرح تعادل صنعت و کشاورزی در واقع در یک جو ضدصنعتی و بدون مطالعه دقیق تهیه شد که حتی به نفع کشاورزی منطقه نیز نبوده است». آمار و ارقام موجود، این گفته سیاح را تأیید می کنند. بر اساس آمار سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، در سال ۷۱ تنها حدود ۱۳/۳ درصد از اعتبار ۹۳ میلیارد ریالی ملی و در سال ۷۲، تنها ۱۳ درصد از اعتبار ۲۷۰ میلیارد ریالی ملی این استان به بخش کشاورزی اختصاص یافته است. در نتیجه امروز ۹۹ درصد از ۱/۵ میلیون هکتار اراضی حاصلخیز این استان، به صورت سنتی و تنها یک درصد، یعنی کمتر از ۲ هزار هکتار، به صورت یکپارچه کشت می شود. بعلاوه نبود صنایع تبدیلی مواد کشاورزی، همه ساله هزاران تن از محصولات کشاورزی، دامی و شیلاتی این استان را به نابودی می کشد.

یک کارشناس کشاورزی استان می گوید: «زمانی که ۴۴ درصد برنج، ۶۰ درصد دانه های روغنی، ۵۰ درصد مرکبات و خاویار، و ۲۵ درصد شیر و گوشت کشور در مازندران تولید می شود، چه تضادی بین احداث صنایع تبدیلی مانند کارخانه شیر، روغن نباتی، کنسرو و کمپوت سازی ... با کشاورزی وجود دارد؟» در حقیقت آش به قدری شور شده است که حتی

خان هم موضوع را فهمیده است. حجت الاسلام عبدالرحیم باقرزاده، معاون سیاسی امنیتی [!] استان مازندران نیز در این رابطه می گوید: «درحالی که داعیه حمایت از کشاورزی داریم، در سطح استان تنها دو کارخانه تبدیل شیر به فرآورده های لبنی وجود دارد و عمده شیر تولیدی، که یک چهارم شیر کشور را تشکیل می دهد، به هدر می رود». وی پس از تأکید بر این نکته که «رشد نرخ بیکاری ناشی از نداشتن ظرفیت اشتغال زایی در بخش کشاورزی استان» است، می گوید: «در صورتی که با مسامحه در گسترش صنعت مسئله بیکاری حل نشود، در سایر برنامه های توسعه استان توفیقی بدست نخواهد آمد».

باید از حجت الاسلام باقرزاده پرسید: درحالی که مسئولین به بهانه رشد کشاورزی از سرمایه گذاری صنعتی در استان خودداری می کنند و در عین حال برنامه ای نیز برای رشد کشاورزی در این استان ندارند، «سایر برنامه های توسعه استان» که شما نگران عدم «توفیق» آنها هستید کدامند؟ آیا حقیقت جز این است که در طول بیش از یک دهه، دولت جمهوری اسلامی به جای اختصاص دادن بودجه و اعتبار لازم برای پیشبرد برنامه های رشد صنعت و کشاورزی در کشور، بخش عظیمی از ثروت ملی را صرف همین نهادهای «سیاسی - امنیتی» که شما نیز یکی از مسئولان آن هستید، کرده است؟

### اخبار زحمتکشان

خواست که «شکست های خود را به گردن قانون کار نیندازند» و تأکید نمود که «جامعه کارگری باید هوشیارتر از گذشته عمل کند».

**اعتراض به تخلف های دولت در امر واگذاری سهام به کارگران**  
علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر، در یکی از سخنرانی های اخیر خود عملکرد «دستگاه های واگذارنده سهام کارگری» را مورد انتقاد قرار داد. وی ضمن تأکید بر این نکته که «۳۳ درصد سهام واحدهای تولیدی حق قانونی کارگران است»، گفت: امروز جامعه کارگری برای خرید سهامی که حق قانونی آنها می باشد با مشکلات عمده ای روبروست». طبق گفته وی، «سهام کارگری کارخانجات در تعدادی از واحدهای تولیدی به افراد غیرکارگر فروخته شده است که مطمئناً این واحدها دچار اشکال خواهند شد». وی سپس هشدار داد که «جامعه کارگری از حق قانونی خود دفاع خواهد کرد و از کسانی که به طور غیرقانونی سهام کارگری را به دیگران عرضه کرده اند، در مراجع قضایی شکایت خواهد کرد». وی در پایان سخنانش از کارگران خواست که «نسبت به این موضوع حساس باشند».

**اعتراض به تغییر قانون کار و اخراج بی رویه کارگران**  
اعتراض به اخراج های بی رویه کارگران و فشارهایی که از سوی مسئولان رژیم در جهت تغییر قانون کار وارد می آید، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و افراد بیشتری را به مخالفت با آن می کشاند. صادقی، مسئول امور شهرستان های خانه کارگر، اخیراً در جلسه هیئت اجرایی خانه کارگر استان خراسان، «دیدگاه های افراطی برخی افراد» را در «تنظیم تبصره ۴۸ برنامه دوم» به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: «این افراد کارگران را به عنوان کسانی که با توسعه صنعتی کشور در تقابلی هستند، معرفی کرده اند و در حقیقت آنچه را که کارگران ... بدست آورده اند می خواهند از او بگیرند». وی در ادامه صحبت های خود گفت: «اگر در قانون کار تغییری صورت گیرد، دفاع از کارگر هم از ما گرفته می شود... چیزی که موجب اشکال شده، سودجویی بیش از حد سرمایه داران، سوء مدیریت خودشان و نداشتن سیستم منضبط مدیریتی است... با وجود همین قانون ما با سیل اخراج ها مواجه هستیم پس این چطور قانونی است که به زعم آقایان حق اخراج به کارفرما نمی دهد. اینان مشکل عدم برنامه ریزی صحیح مدیریت خودشان را به قانون کار نسبت می دهند». صادقی، در پایان سخنان خود از مخالفان قانون کار

## متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی ...

عراق و سودان، تنها "مشتی از خروار" در منطقه ما می باشد ... در حالیکه این حکومت ها آزادند که فجع ترین و تکان دهنده ترین جنایات را در حق شهروندان خود روا دارند، اقلیت های ملی (مانند مردم کرد) و مذهبی را بشدت سرکوب کنند، و ابتدایی ترین حقوق انسانی را زیر پا گذارند، و در حالیکه برخی از خلق های منطقه مانند مردم فلسطین هنوز از حق تعیین سرنوشتشان محروم می باشند، کشورهای غربی چشمان خود را بر این جنایات تحت عنوان حفظ "متحدین استراتژیک" در منطقه، می بندند. به گمان ما دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در شرایط کنونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای ما مسئله حقوق بشر، تنها به مسایل سیاسی و یا مدنی، از قبیل آزادی تشکل، حق برخورداری از قوانین دموکراتیک، آزادی اندیشه و بیان محدود نمی شود. این حقوق بی شک سنگ پایه های هویت انسانی اند، اما حقوق دیگری نیز وجود دارد: حق مصون بودن از گرسنگی، حق تحصیل و آموزش و حق برخورداری از بهداشت و مسکن مناسب. حزب ما عمیقاً به هردوی این عرصه ها معتقد است و حقوق سیاسی - مدنی را به مثابه تضمینی برای تداوم آزادی های اجتماعی و دستیابی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شناسد. به عنوان نمونه حقوق کارگران، از جمله مواردی است که حقوق مدنی - سیاسی به شکل برجسته ای با حقوق اجتماعی در ارتباط تنگاتنگی قرار می گیرد. یکی از دهشتناک ترین عرصه های سرکوب حقوق بشر که نه تنها در کشور ما ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای منطقه وجود دارد، سرکوب حقوق زنان است. به عنوان نمونه رژیم حاکم بر ایران زنان را به مثابه شهروندان درجه دوم که از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم هستند، به حساب می آورد. مبارزه همه نیروهای مترقی و خصوصاً کمونیست در این عرصه، در منطقه ما و همچنین در سراسر جهان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بسیاری از نیروهای مترقی بر سر آن اتفاق نظر دارند.

کوتاه سخن این شرایط "نوبن"، بی شک بر ضرورت ایجاد همبستگی و جبهه های جدید از نیروهای مترقی، در منطقه تاکید می ورزد. مبارزه برای دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی، علیه دخالت ها و زورگویی های امپریالیسم، زمینه های وسیعی هستند، که بر اساس آن می توان گروه های گوناگونی از نیروهای مترقی و پیشرو را اطراف آن گرد آورد. امروز نه تنها ضرورت دارد که تمامی نیروهای معتقد به سوسیالیسم هماهنگ تر از گذشته عمل کنند، بلکه این ضرورت نیز قابل لمس است که سایر نیروهایی که با این شرایط نوین جهانی مخالفند، در کنار هم قرار گیرند. شرایط دشوار کنونی زاینده سیستم سرمایه داری جهانی است، و نتیجه اش بی شک تشدید مبارزه طبقاتی در سراسر جهان خواهد بود. سرمایه داری از یک سو نشان داده است که قادر به حل معضلات جامعه بشری نیست، در عین حال قادر است برای حفظ بقایش، مدتی خود را با شرایط وفق دهد. معذالک به گمان ما کلید تحولات آتی جامعه بشری همچنان بر اساس حرکت در چارچوب تضادها خواهد بود. هیچگونه دلیل علمی و تاریخی مبنی بر متوقف شدن حرکت جامعه بشری به سمت تکامل موجود نیست. حرکت تکاملی فرماسیون های اجتماعی که با دیدگاه های ماتریالیستی - تاریخی ما نیز همخوانی دارد، همچنان ادامه یافته و تنها این حرکت است که چشم انداز روشنی برای رهایی بشریت از زنجیر سرمایه داری ارائه می دهد.

امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت ایجاد یک انترناسیونالیسم نوین، بر اساس درک و مبارزه مشترک ما علیه تمایل امپریالیسم به تصاحب کامل جهان احساس می گردد. امروز ضروری است که روابط نوینی میان نیروهای ضدامپریالیستی جهان ایجاد گردد، و بر اساس این روابط بلوک های سیاسی - اجتماعی نوین پدید آید. ما صمیمانه امیدواریم که این اجلاس بتواند نخستین گام ها را برای رسیدن به درک و برنامه عمل مشترک بردارد.

با تشکر از توجه شما

## همبستگی بزرگترین اجلاس احزاب کارگری و کمونیستی منطقه با نیروهای مترقی و آزادیخواه، زندانیان سیاسی، نویسندگان، روشنفکران و همه مبارزان راه آزادی در ایران

### (متن اعتراضیه احزاب منطقه)

براساس گزارش هایی که اخیراً به ما رسیده است، جمهوری اسلامی کارزار نوینی از سرکوب را علیه اعتراض های اوج کیرنده مردمی در درون کشور آغاز کرده است. از يك سو، ما از مرگ ناکهانی سعید سپهرجانی، نویسنده و شاعر ایرانی در زندان جمهوری اسلامی مطلع شدیم و از سوی دیگر اخبار نگران کننده ای از يك کارزار وسیع و سیستماتیک آزار و اذیت علیه ۱۳۴ نویسنده، شاعر و متفکر ایرانی، که اخیراً نامه ای در اعتراض به سانسور و اختناق و به رسمیت شناخته شدن حقوق صنفی شان به مقام های جمهوری اسلامی نوشته بودند، مطلع گردیدیم. ما همچنین بانکرانی اخبار تشدید عملیات نظامی در مرزها، خصوصاً علیه مردم کردستان و نیروهای مترقی این نواحی را دنبال می کنیم.

ما احزاب و سازمان های امضا کننده این بیانیه، رژیم ایران را به خاطر این موج نوین ترور و سرکوب شدیداً محکوم می کنیم، و همبستگی رزمجویانه خود را با نیروهای مترقی ایران، نویسندگان، روشنفکران و اکثریت قاطع مردم ایران که مخالف ادامه حکومت دیکتاتوری هستند، اعلام می داریم.

ما خواهان قطع کامل و فوری این کارزار خشن و به رسمیت شناخته شدن، ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم ایران، حق آزادی بیان، اندیشه و محذب هستیم.

ما خواهان آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی ایران هستیم. ما بار دیگر همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزه مردم و تمامی نیروهای دموکراتیک و مترقی ایران در نبرد برای دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورشان، اعلام می داریم.

حزب کمونیست اسپانیا	حزب کمونیست فدراسیون روسیه
جبهه آزادیبخش بحرین	حزب کمونیست کارگران روسیه
حزب کمونیست اردن	لیگ کمونیست های یوگسلاوی
حزب مترقی ملی مصر	حزب مترقی زحمتکشان قبرس
حزب سوسیالیست قبرس	حزب احیای کمونیستی - ایتالیا
حزب کمونیست یونان	حزب کمونیست عراق
حزب کمونیست پرتقال	حزب کمونیست فرانسه
حزب کمونیست سودان	حزب کمونیست سوریه
حزب کمونیست اسرائیل	حزب کمونیست ارمنستان
حزب توده ایران	حزب مردم فلسطین
	حزب کمونیست فلسطین

## اجلاس پرشور همبستگی جهانی با مردم کوبا

### توافقنامه نخستین اجلاس جهانی همبستگی با مردم کوبا

۱- سال ۱۹۹۵، به عنوان سال خوزه مارتی و سال مبارزه با تحریم اقتصادی اعلام کرد.

۲- روز ۱۹ ماه مه سال ۱۹۹۵ که مصادف با صدمین سالگرد شهادت خوزه مارتی در صحنه های پیکار است، به عنوان روز خوزه مارتی و روز همبستگی با کوبا جشن گرفته شود.

۳- اجلاس های منطقه ای همبستگی با کوبا، با شرکت همه نیروها و گروه هایی که در راه روابط دوستی میان ملل کار می کنند، ادامه یافته و گسترش یابد.

۴- در مقابله با محروم کردن کوبا از شرکت در اجلاس نیم کره که توسط ایالات متحده سازماندهی گردیده است و قرار است در میامی برگزار شود، اعتراض گردد.

۵- کارزارهای جمع آوری کمک مالی - اقتصادی به مثابه تجلی همبستگی با کوبا ادامه و گسترش یابد.

۶- برای رشد جنبش همبستگی و گسترش آن به همه اقشار جوامع مختلف، تلاش گردد بازدیدهای متقابل، مسافرت به کوبا، توریسم و سرمایه گذاری اقتصادی در این کشور تشویق گردد.

۷- روز ۱۰ اکتبر، روزی که مبارزه انقلابی مردم کوبا آغاز گردید، به عنوان روز همبستگی جهانی با کوبا اعلام گردد.

دارد، قادر نخواهد بود، در اجلاس بزرگ جهانی نیم کره، که به دعوت ایالات متحده در میامی برگزار می گردد، حضور پیدا کند. میزبانان این نشست از صدای رسا و شجاعانه کوبا در حمایت از محرومان، رها شدگان، مطرودان و درماندگان اجتماعی در هراس می باشند، ولیکن کوبا تنها نیست. اثبات چنین نظری را در برگزاری این کردهمایی بزرگ که تنها نماینده جزیی از توده های عظیم انسانیت از تمامی جهان می باشد، جستجو کرد.

این اقدام جهانی زمانی سازماندهی می گردد، که کوبا و تمامی کشورهای آمریکای لاتین، آماده می شوند که صدمین سالگرد درگذشت خوزه مارتی را در صحنه های پیکار گرامی دارند. خوزه مارتی همیشه نسبت به اهمیت استقلال کوبا و هم برای سرنوشت آنچه که او آن را "آمریکای ما" می خواند و هم برای دستیابی به یک "توازن جهانی" اهمیت ویژه ای قایل بود. در این روزها پیشگویی مارتی که می گفت: "هر کس امروز در کنار کوبا برخیزد، برای همیشه برخاسته است". بیش از پیش به واقعیت نزدیک می باشد.

**به محاصره کوبا خاتمه دهید!**  
**حق مسلم کوبا در انتخاب و ساختمان آینده اش باید محترم شمرده شود!**

کنفرانس در پایان کار خود، توافقنامه ای را برای گسترش هرچه بیشتر کارزار همبستگی با مردم کوبا به تصویب رساند که متن کامل آن به شرح مقابل است.

" ما شرکت کنندگان در اجلاس همبستگی خود را با مردم کوبا در دفاع از حقوق خود در تعیین سرنوشت خویش، بر اساس نیازها و روند تاریخی این کشور، دفاع از حق انتخاب آزاد راه پیشرفت، در مقابل دکم های سیاسی - اقتصادی که در سراسر جهان تحمیل می گردد، اعلام می داریم.

ما در جلسات کاری این اجلاس و در تماس مستقیم با مردم این کشور، معتقدیم که همزمان با محروم کردن کوبا از امکان تجارت آزاد با بقیه جهان و مسدود کردن تمام تلاشهای آن برای بازسازی اقتصادی، واقعیات این کشور، به کمک یک کارزار بی سابقه تبلیغاتی سیستماتیک، مخدوش و نادرست نشان داده می شود. ما با چشمان خود اثرات بی رحمانه تحریم را بر زندگی مردم کوبا مشاهده کرده ایم. بر این اساس است که ما اصرار داریم دولت ایالات متحده آمریکا، به خواست بخش های عظیمی از افکار عمومی جهان و مجمع عمومی سازمان ملل متحد توجه کرده و به این اقدامهای غیر عادلانه که بیش از ۳۰ سال ادامه یافته است پایان دهد.

ما همچنین قادریم، در پی تماس های مستقیمان با مردم، روحیه و خواست آنان را در ادامه مقاومت و مصمم بودن به حفظ دستاوردهای اجتماعی شان تصدیق نماییم. ما در حالی به کشورهاییمان باز می گردیم که بیش از پیش به ضرورت ادامه دفاع از آرمان کوبا اعتقاد آورده ایم.

در روزهای آتی کوبا، که همچنان گرفتار تحریم اقتصادی و در مظان تهمت و افترا قرار

## دنیا منتشر شد

شماره ۵، از دوره ششم

### رفقا، دوستان و هواداران حزب

«نامه مردم» - این استوارترین، پیکیرترین، کهن سالترین پرچم و ارکان پیکار در راه آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی در میهن ما علیه خودکامکی، ظلم و تاریک اندیشی را با مقالات، اشعار، اخبار و کمک های مادی خود یاری رسانید.

نامه مردم، را بخوانید  
و با تکثیر و توزیع آن در تحقق آرمانهای  
والای حزب توده ایران بکوشید!

کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH MARDOM: No:443  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 ,  
10566 Berlin, Germany

20 December 1994

شماره فاکس ما  
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

نامهء

مردم